



The theory of the revolutionary system and Preparing for the Reappearance of Imam Mahdi (PBUH)

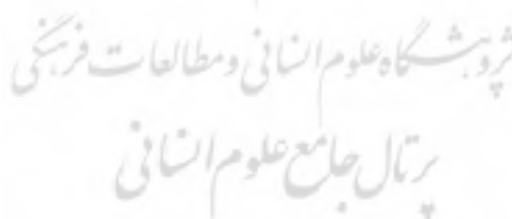
Yousef Maleki ¹

Dr. Sohrab Moghaddam Shahidani ²

Abstract

The preparation for the Reappearance of Imam Mahdi (PBUH) is a matter of great interest to Shia Muslims and is also a religious duty for them. Various approaches have been proposed regarding how this preparation should take place. This research examines the relationship between the revolutionary system theory articulated by the Supreme Leader and the groundwork for the Imam's emergence. It aims to clarify this theory and the connection between the revolutionary nature of the system and its Islamic character, demonstrating how the revolutionary aspect of the system contributes to the preparation for the emergence. It appears that the more the revolutionary system is realized in the sense described by the Supreme Leader, the more both the stability and performance of the system will improve, and according to the verses and narrations mentioned in this context, it will also play a significant role in hastening the emergence.

Keywords: Emergence, Revolutionary System, Preparation for Emergence, Relationship between Revolution and Islam



-
1. PhD student of Islamic Revolution, Islamic Education University Qom, Iran(Corresponding Author)(ymki.1700@gmail.com)
 2. Doctorate of Islamic Revolution and Faculty of Islamic Education University Qom, Iran (iranemoaserqom@gmail.com)

نظریه نظام انقلابی و زمینه‌سازی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*

یوسف ملکی^۱

سهراب مقدمی شهیدانی^۲

چکیده

زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از اموری است که شیعیان هم نسبت به آن علاقه دارند و هم از وظایف دینی ایشان است، در این‌که زمینه‌سازی برای ظهور باید چگونه باشد راه‌های مختلفی بیان شده است، در این پژوهش به بررسی رابطه نظریه نظام انقلابی که توسط رهبر معظم انقلاب بیان شده است و زمینه‌سازی برای ظهور پرداخته شده است و سعی شده با تبیین این نظریه و رابطه انقلابی بودن نظام با اسلامی بودن آن، تأثیر انقلابی بودن نظام در زمینه‌سازی برای ظهور تبیین شود، به نظر می‌رسد هر قدر نظام انقلابی به همان معنایی که رهبر معظم انقلاب بیان کرده‌اند تحقق بیشتری داشته باشد، هم ثبات و عملکرد نظام بهبود خواهد یافت و هم طبق آیات و روایاتی که در این زمینه ذکر شده است، در زودتر محقق شدن ظهور موثر خواهد بود.

واژگان کلیدی

ظهور، نظام انقلابی، زمینه‌سازی ظهور، رابطه انقلاب و اسلام.

مقدمه

اعتقاد به منجی عالم از وضعیتی که به آن دچار است، اعتقاد بسیاری از ادیان الهی و غیر الهی است، در این میان مسلمانان به خصوص شیعه، نظریه خاصی برای ظهور منجی قائل هستند، شیعیان با توجه به این مبنای اعتقادی که عالم خالی از حجت نیست، اعتقاد دارند امام معصوم هم اکنون نیز حضور دارد و بر آن اعمال ولایت می‌کند، ولی ظهور امام دوازدهم را منوط به تحقق شرایطی می‌دانند که هنوز فراهم نشده است.

تحقق شرایط ظهور و زمینه‌سازی برای آن از دیرباز محل گفتگوی اندیشمندان مسلمان بوده و هست و راه‌حل‌های بسیاری برای آن بیان شده است تا جایی که برخی ساده‌اندیشان با

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

۱. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) (ymki.1700@gmail.com).

۲. دکتری انقلاب اسلامی و هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (iranemoaserqom@gmail.com).

فهم غلط از برخی معارف دینی معتقد بودند باید کمک کرد که دنیا را ظلم و گناه فراگیرد تا زمینه ظهور فراهم شود. بی شک ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف غیر از این که یک امر الهی است امری است که تحقق آن نیاز به تمهیداتی دارد که خدای متعال آن را در همین عالم اسباب و مسببات محقق می‌کند، از این رو امام خمینی رحمته الله علیه زمینه‌سازی برای ظهور را از اهداف انقلاب برشمردند، برای پاسخ به این که انقلاب اسلامی چگونه می‌تواند زمینه‌سازی برای ظهور را فراهم کند، در این پژوهش سعی می‌کنیم نظریه نظام انقلابی که توسط رهبر انقلاب بیان شده است را ملاک قرار دهیم، و با تبیین جوانب این نظریه رابطه آن با زمینه‌سازی برای ظهور را بررسی کنیم.

برای بررسی مسئله مذکور، باید ابتدا نظریه نظام انقلابی و رابطه آن با اسلام تبیین شود و پس از آن به این پرسش پاسخ دهیم که چگونه تحقق نظام انقلابی می‌تواند زمینه‌سازی برای ظهور را فراهم کند و باعث زودتر محقق شدن آن شود.

با این که نظریه نظام انقلابی در آثار مختلفی تبیین شده و لوازم آن بررسی شده است، و مسائل مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور نیز مفصلاً مورد پژوهش محققین محترم قرار گرفته است، اما تاکنون اثری که بررسی رابطه نظام انقلابی و زمینه‌سازی ظهور پرداخته باشد، نگارش نشده است، لذا موضوع پژوهش پیش رو رابطه نظام انقلابی و زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داده شده است.

تبیین نظریه نظام انقلابی

واژه نظام اصطلاحات مختلفی دارد که در این پژوهش مراد از آن نظام سیاسی و حکومت است، نظام گاهی به معنی دولت نیز به کار می‌رود (روریش، ۱۳۸۵: ۲۷)، حکومت عبارتست از ابزار اجرای حاکمیت که شامل قوای مختلف مقننه، مجریه و قضائیه می‌شود.

مفهوم انقلاب که پسوند نظام است از دیدگاه دانشمندان مختلف دارای تعاریف متعددی است که هر دانشمندی یکی از این تعاریف را برگزیده است، انقلاب، تحولی با ابعاد زیر است: استحاله ارزش‌ها یا دگرگونی اسطوره‌های جامعه، تغییر ساختار اجتماعی، دگرگونی نهادها، تغییراتی در صورت‌بندی رهبری، چه در افراد گروه نخبه حاکم یا در ترکیب طبقاتی آنان، انتقال غیر قانونی یا ضد قانونی قدرت و بالاخره حضور یا حاکمیت رفتار خشونت‌آمیز (کوهن، ۱۳۶۹: ۴۲).

هانتیگتون انقلاب را یک حرکت سریع و ناگهانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط، رهبری و

حاکمیت سیاسی برای بازگرداندن ارزش‌های اجتماعی قدیم توأم با زور و خشونت داخلی تعریف کرده است (هنتینگتون، ۱۹۶۸م: ۲۶۷).

در برخی ادبیات‌ها انقلاب حاصل یک تب تند است، به عبارتی وضعیتی غیرعادی است که دیر یا زود بهبود می‌یابد، یکی از صریح‌ترین ایده‌ها در این زمینه، نظریه کرین برینتون است که مدعی است انقلاب‌ها فارغ از همه فرق‌های جزئی، پس از مدتی به شرایط عادی پیش از انقلاب باز می‌گردند، برینتون این نظریه را به عنوان نظریه ترمیدور بررسی می‌کند (پیتر، ۱۳۸۳: ۹۹).

در نظریات انقلابی یکی از موضوعات مورد مناقشه تبدیل جریان انقلاب به نهاد است. بیشتر کارشناسان و نظریه‌پردازان انقلاب معتقدند، انقلاب‌های جهان پس از آرام نشستن موج انقلابی و سرنگونی رژیم استبدادی، در فرایند نظام‌سازی دچار استحاله شده و با فرارسیدن «دوران ترمیدور» روحیه انقلابی خود را از دست داده و از جریانی انقلابی به نهادی محافظه‌کار تبدیل می‌شوند. در این نگاه، فرایند تبدیل انقلاب به نهاد، فرایند تبدیل روحیه انقلابی به روحیه محافظه‌کاری است و «محافظه‌کاری قتلگاه انقلاب» است.

در این میان، دیدگاه‌های متعددی برای جلوگیری از استحاله انقلاب مطرح شده که می‌توان از نظریات «انقلاب در انقلاب» و «انقلاب دائمی» یاد کرد. در این نگاه‌ها که به نوعی در ضدیت با نهادگرایی و نظام‌سازی است، از حفظ شرایط انقلابی برای تداوم روحیه انقلابی یاد می‌کند و تلاش دارد وضعیت جامعه را در شرایط سیال دوران انقلابی حفظ کند.

این در حالی است که حفظ این وضعیت نه مطلوب است و نه ممکن، وضعیتی انقلابی وضعیتی ماندگار نیست، مرحله‌ای موقت و برای عبور است که سرانجام باید به مرحله نظام‌سازی ختم شود.

اما در این میان برخی شخصیت‌های ایرانی اسلامی، برای مقابله با محافظه‌کاری و حفظ روحیه انقلابی در مرحله نظام‌سازی، نظریه «نظام انقلابی» را ارائه کرده‌اند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب می‌نویسند:

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند (بیانیه گام دوم انقلاب).

آیت‌الله مصباح یزدی نیز به شکلی دیگر دوام انقلاب را ممکن دانسته‌اند، به نظر ایشان تغییرات اجتماعی، گاهی ناشی از تغییرات جبری و طبیعی است، گاهی ریشه در تحولات

صنعتی و تکنولوژیکی دارد و گاهی نیز ناشی از تغییر فرهنگ مردم یک کشور است. هرگاه تغییر نوع اخیر، که با کمال اختیار، انتخاب و آگاهی انجام می‌شود، در یک جامعه به وجود آید، عموم مردم، برای تحقق آرمان‌های خود راهی را بخواهند گزید که به ضرر رژیم حاکم است. این نوع تحول را که می‌توان نام انقلاب بر آن نهاد، ارتباط مستقیمی با فرهنگ دارد، اگر تأثیر فرهنگ هم چنان ادامه داشته باشد، انقلاب پابرجا خواهد بود؛ چون آنچه موجب پیدایش انقلاب است فرهنگ خاصی است که در جامعه رواج پیدا کرده است و اکثریت افراد جامعه نیز آن را پذیرفته، جهت تحقق آن تلاش کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۱۰۹-۱۱۱). از این رو، نهاد تعلیم و تربیت، مهم‌ترین نهاد اجتماعی است و می‌تواند تأثیر فراوانی در ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۳۱۵).

امام راحل رحمته الله علیه نیز بارها و بارها تأکید فرموده‌اند:

این انقلاب در پرتو توجهات خاص الهی و به مدد امدادهای غیبی خداوند متعال به پیروزی رسیده است؛ چراکه مردم مسلمان ایران به آن درجه از ایمان رسیده‌اند که چنین توفیقی نصیب‌شان گردد.

بر این اساس، می‌توان ادعا کرد مردم ایران در پناه انقلاب اسلامی، به درجه‌ای از حیات طیبه دست یافته‌اند و این ویژگی، آنان را از تمام مردم دنیا متمایز می‌سازد. از این رو، نمی‌توان چنین مردمی را با سایر مردمان مقایسه نمود و براساس وضعیت پیش آمده برای دیگران، وضعیت آینده ایشان را پیش‌بینی نمود. امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه تصریح فرمودند:

شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت‌زده عنایت شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۴۰۲).

نظریه نظام انقلابی نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۷ و در فرازهایی از بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شد، که در مقابل نظریه ترمیدور و خواست برخی مسئولین غیرانقلابی قرار دارد.

در این الگو خصوصیات و ویژگی‌ها و روحیه انقلابی‌گری فراتر از فرد، باید در نظام سیاسی نهادینه شود و این نظام اسلامی است که حافظ اصلی تداوم انقلاب تا رسیدن به همه آرمان‌ها خواهد بود.

برای فهم نظریه باید به این نکته توجه کرد که سؤال از نظام انقلابی و اسلامی، سؤال از

عنصر مقومی است که اگر در نظامی یافت شود، می‌توان آن را انقلابی نامید و نبود آن موجب غیر انقلابی بودن نظام خواهد بود. در تحلیل الگوی نظام انقلابی نظرهای گوناگونی وجود دارد که این نظرها را مبتنی بر سه رویکرد می‌توان تقسیم کرد:

رویکرد اول رویکرد ساختاری - کارگزاری است که بر اسلامی و انقلابی بودن ساختار و کارگزار تأکید دارد و نظامی را اسلامی - انقلابی می‌داند که ساختار آن مبتنی بر اسلام انقلابی بنا نهاده شده باشد. در درون این ساختار، ساز و کار تعیین حاکم نیز باید اسلامی و انقلابی باشد؛ به گونه‌ای که افرادی با روحیه انقلابی در رأس قدرت قرار گیرند و مسئولیت‌ها به چنین افرادی واگذار شود. همچنین، در نگاهی فراتر چگونگی فرایند تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌دهی‌ها به جامعه نیز باید به تصمیماتی انقلابی بینجامد.

در رویکرد دوم که رویکرد کارکردی است، آنچه ملاک و معیار سنجش قرار می‌گیرد، نه تأکید بر ساختارها و کارگزارها، بلکه توجه به کارکردهاست. از این منظر سیستم و نظامی را می‌توان انقلابی نامید که خروجی‌های آن را بتوان با الگوها و آموزه‌های اسلام انقلابی تطبیق داد. نظامی را می‌توان نظام انقلابی دانست که تصمیمات آن مقوم و بسط‌دهنده ارزش‌های انقلاب اسلامی، همچون استقلال، آزادی، مبارزه با فساد، تحقق و گسترش عدالت و رسیدگی به محرومان و مستضعفان باشد.

نگاه سوم که نگاه تکمیلی و تلفیقی است، رویکرد ساختاری - کارکردی است، که لازمه انقلابی بودن نظام را وجود الگویی در ساختار تشکیل نظام از ملاک و معیار انتخاب حاکم تا سازوکار انتخاب حاکم و معیار تصمیم‌گیری می‌داند و از طرفی بر کارکرد و کارآمدی تأکید می‌کند.

این نظر از طرفی بر این باور است که هدف از تشکیل نظام اسلامی - انقلابی آماده شدن زمینه برای برخورداری از رفاه مادی و رشد و کمال معنوی است و اگر حکومت در این زمینه ناکارآمد باشد، مشروعیت خود را از دست خواهد داد و از طرفی معتقد است ایجاد چنین جامعه‌ای که هم رفاه مادی در آن تأمین شود و هم رشد و تعالی معنوی، جز از طریق ساختار اسلامی - انقلابی و با مشارکت مردم در همه سطوح آن محقق نخواهد شد و رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی بدون شکل‌گیری ساختار نظام انقلابی ادعایی بیش نخواهد بود (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۳/۱۴).

آنچه مشخص است نظریه سوم ترسیم‌کننده الگویی است که رهبر حکیم انقلاب اسلامی از طرح نظریه نظام انقلابی در ذهن دارند. به همین دلیل، از نگاه ایشان «نظام اسلامی عبارت

است از این‌که، اولاً؛ قسط اسلامی و احکام اسلامی در جامعه تحقق پیدا کند (همان).
ثانیاً؛ افراد صالح و شایسته‌ای متصدی و مباشر این کار باشند (بدون وجود افراد شایسته و صالح، امکان ندارد احکام اسلامی و قسط اسلامی در جامعه پیاده شود) (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار کارگزاران نظام اسلامی، ۱۳۶۹/۹/۱۴).
ثالثاً؛ اعتماد و باور و قبول مردم و رابطه مستحکم میان این مجموعه خدمتگزار و مردم باید وجود داشته باشد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۳/۱۴).
هر کدام از این سه پایه اگر کم باشد، فلسفه حکومت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر ما هدف خود را اجرای قسط اسلامی و تحقق احکام اسلامی قرار ندادیم و باور و ایمان خود را به اهداف دیگری متوجه کردیم، این نظام اسلامی حفظ نخواهد شد و اصلاً نظام، اسلامی نیست. در کلام معظم‌له نظام انقلابی، یعنی نظامی با اهداف و مبانی و ساختار انقلابی که دارای حرکات انقلابی نیز هست.

رابطه نظام انقلابی و اسلام

برای تبیین بهتر نظریه نظام انقلابی، به نظر می‌رسد روح انقلاب را باید شناخت، روح «انقلابی»، که پسوند نظام قرار می‌گیرد، اسلامی بودن آن است.
برجسته‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی جهان بینی الهی و توجه به آموزه‌های حیات بخش اسلام است، آموزه‌های اسلامی ناب، حاکمیت و پذیرش ولایت غیر خداوند متعال را شرک دانسته و پیروان خود را به مبارزه با آن فرا می‌خواند، به عبارتی اسلام از پیروان خود می‌خواهد خود را متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دین ببینند و به سمت اهداف عالی با امید و بدون نگرانی بشتابند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ج ۴، ۲۲۲).
از نگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه قیام مردم ایران قیام الله و اسلامی است:

باید بفهمیم که با چه نیروی این پیروزی (به) دست آمد؛ اگر ندانیم چه نیروی بود برای آتیه خطرناک است و اگر بدانیم چه نیروی بود و اهتمام نکنیم برای حفظ آن برای آتیه کشور ما خطرناک است. نیروی پیروزمندانه، نیروی اسلام بود، نیروی ایمان جوانان ما به اسلام و به خدای تبارک و تعالی بود، توجه به مقصد که آن اسلام و جمهوری اسلام و احکام اسلام است بود و فداکاری ملت ما برای اسلام (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ج ۷، ۶۲).

مقام معظم رهبری دام ظلّه در مورد در مورد روح اسلامی انقلاب فرموده‌اند:
انقلاب اسلامی تا وقتی که در خط صحیح اسلام ناب یعنی خط امام با دقت حرکت

می‌کند و شما مردم دین و اسلام را بر هر چیز دیگر ترجیح می‌دهید و روحیه دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی را زنده نگه می‌دارید و شعارهای کوبنده و برخاسته از متن اسلام را مورد توجه قرار می‌دهید نه آمریکا و نه شرق و غرب و نه ارتجاع و نه هیچ قدرت دیگر قادر نخواهد بود که شما و کشور و نظام جمهوری اسلامی را از حرکت به سمت هدف‌های خود بازدارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۸۹).

شهید مطهری در تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها و نهضت‌های آزادی بخش و ضد استعماری یکی دو قرن اخیر می‌فرماید:

ممکن است بپرسید آیا در نهضت فعلی هدف‌های روحانیت همان هدف‌های سیدجمال است؟ جواب این است آری و نه؛ آری یعنی تمام هدف‌های سیدجمال در هدف‌های این نهضت مندرج است... اما نه یعنی هدف‌های این نهضت محدود به هدف‌های سیدجمال نیست. آیا هدف این نهضت همان هدف جنبش تنباکو است یعنی ضدیت با استعمار اقتصادی؟ آری و نه، یعنی آن هم جزو هدف‌های این نهضت است و هم نه، اما منحصر به آن نیست آیا ضد استعمار سیاسی نظیر انقلاب عراق؟ باز آری و نه؛ آن هم جزو هدف‌هاست ولی محدود به آن نیست، آیا ضد استبداد است آری و نه، آیا ضد استعمار اقتصادی است مثل نهضت ملی شدن صنعت نفت؟ باز آری و نه، آیا این نهضت ضد استثمار است، آری و نه؛ ضد استثمار است اما محدود به آن نیست. آیا برای آن چیزی است که امروز آن را حقوق بشر می‌نامند؟ باز آری و نه؛ مابه آنچه که طرفداران حقوق بشر می‌گویند احترام می‌گذاریم ولی به عنوان جزئی از هدف‌های نهضت اسلامی خودمان نه به عنوان تمام هدف‌های این نهضت. دمکراسی چطور؟ باز آری و نه. علتش این است که این نهضت ماهیت صد درصد اسلامی پیدا کرده و در تمام اقشار جامعه ما نفوذ کرده است... تنها نهضتی که شاید بشود این نهضت را با آن مقایسه کرد و در واقع نهضت ما بچه خلف و صالح آن نهضت است، نهضت صدر اسلام است، تا زمانی که در تحت رهبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود (مطهری، بی‌تا).

از بیانات شهید مطهری می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی ایران دارای جامعیتی است که دست‌یابی به تمام هدف‌های قیام‌های علمای دینی قبل از خود را به صورت تکامل یافته تعقیب می‌کند مانند:

۱. قطع سلطه بیگانگان و استعمار خارجی؛
۲. دفع ظلم و ستم و استبداد داخلی؛

۳. حریت و استقلال همه جانبه؛

۴. توسعه بر مبنای عدالت اسلامی در تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سایه حاکمیت دینی؛

۵. پایه گذاری تمدن جدید و احیای فرهنگ اصیل اسلامی در پرتو آموزه های دینی. یکی از مهم ترین عوامل اضمحلال و ناتوانی انقلاب ها و نظام های برآمده از آن ها عدم جامعیت و تک بُعدی شدن است اما در استراتژی و سیاست های کلان انقلاب اسلامی بر مبنای اعتقادات دینی؛ جامعه انسانی یک واحد متکثری است که دارای ابعاد مختلف و مرتبط با یکدیگرند و نظام اسلامی برای رفع تمام نیازهای مادی و معنوی انسان تلاش می کند و بر این اساس امام حفظ جامعیت انقلاب اسلامی و انتقال صحیح و سالم آن را به نسل های بعد توصیه می کند:

ما باید و نسل های آتیه باید متوجه باشند که این اسلام را حفظش کنند، در زیر پرچم اسلام مجتمع بشوند. و اسلام همه چیز دارد؛ اسلام هم دنیا دارد، هم آخرت دارد، اسلام همه بُغدها را نظر به آن دارد. حکومت اسلامی مثل حکومت های دیگر نیست که فقط به یک بُعد نظر داشته باشند. حکومت اسلامی حکومتی است که همه اگر ان شاء الله پیاده بشود، ان شاء الله چنانچه موفق بشود این ملت و اسلام به آن طوری که هست، به آن طوری که بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است قرآن کریم، احادیث ائمه، احادیث اسلام، به آن طور اگر بشود، سعادت دنیا و آخرت ملت ها را ضمانت کرده است و می کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ج ۱۳، ۳۶۶).

مقام معظم رهبری نیز اهتمام به حفظ جامعیت انقلاب و هدف های متعالی نظام جمهوری اسلام را در راستای دستیابی به عدالت، توسعه، اقتدار و معنویت یاد آور می شود:
... اگر ما به اسلام متمسک شدیم، هم عزت دنیا هم رفاه مادی، هم قدرت سیاسی، هم آسایش و هم امنیت عمومی برای مردم پیدا خواهد شد (بیانات آیت الله خامنه ای در مراسم سیزدهمین رحلت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۰/۳/۱۴).

به نظر می رسد اسلامی بودن نظام در صورتی محقق می شود که در سه حوزه اهداف، مبانی و قانون از حیث ثبوت و عمل به آن، اسلام ملاک باشد:

اهداف و مبانی اسلامی

اهداف اسلامی، اهدافی هستند که با آموزه های قرآن و سنت مطابقت دارند و به دنبال سعادت فردی و اجتماعی انسان براساس این آموزه ها هستند.

مبانی اسلامی، اصول و پایه‌های فکری و اعتقادی هستند که براساس آنها نظام‌ها و قوانین شکل می‌گیرند و با آموزه‌های اسلامی سازگاری دارند.

نظام اسلامی، نظامی است که در تمام ابعاد (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) براساس آموزه‌های اسلامی و با هدف تحقق اهداف اسلامی اداره می‌شود.

اهداف، مبانی و نظام، مثل سه ضلع یک مثلث هستند که به هم وابسته‌اند، اهداف، جهت‌دهنده و انگیزه‌بخش نظام هستند. **مبانی**، زیرساخت‌های فکری و اعتقادی نظام را تشکیل می‌دهند و نظام ابزار تحقق اهداف و تجلی مبانی است.

اسلامی بودن نظام، مستلزم **اسلامی بودن اهداف و مبانی آن** است، اگر اهداف و مبانی یک نظام اسلامی نباشد، نمی‌توان آن نظام را اسلامی دانست. اسلامی بودن اهداف و مبانی باید در شئون مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شود.

مقام معظم رهبری نسبت به اهداف اسلامی نظام و انقلاب فرموده‌اند:

هدف‌های انقلاب چیست؟ در درجه‌ی اول حاکمیت اسلام است؛ اصلاً انقلاب برای این به وجود آمد؛ برای این که اسلام حکومت کند؛ حاکمیت داشته باشد با معنای خاص خودش. اهداف انقلاب [عبارتند از]: حاکمیت دین خدا، آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی فقر و جهل، مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن فساد اخلاقی‌ای که از غرب به همه‌ی دنیا سرازیر شده که شما امروز دارید خصوصیاتش را می‌بینید (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶).

اداره جامعه براساس قوانین اسلامی

هنگامی که از جامعه اسلامی صحبت می‌شود، منظور از آن، جامعه‌ای توحیدی است که قوانین و موازین آن الهی و شرعی باشد، جامعه‌ای که حدود الهی در آن جاری و ساری است. در واقع در جامعه اسلامی، خداوند در رأس هرم قرار دارد و همه مخلوقات آن به ویژه انسان‌ها در ذیل آن قرار دارند. در این جامعه، ساختار و تشکیلات، قوانین و مقررات، روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سایر امورات انسان‌ها از سوی خداوند تعیین و تعریف شده است و همه چیز تحت رهبری منصوبان او و نایبان بر حق آنها در جامعه است. در چنین جامعه‌ای نظام حکمرانی، خانواده، مناسک دینی، مراکز آموزشی، روابط و مراودات انسانی، جنگ و صلح، همه و همه براساس موازین شرعی و اسلامی و بر پایه عدالت استوار است. نظامی که انسان را به یاد خدا می‌اندازد، به سوی او می‌کشاند و او را از بندگی غیرخدا دور

می‌سازد.

در زمینه قوانین الهی که در علم فقه از قرآن و سنت و عقل استنباط می‌شود و گستره آن در زندگی بشری دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، عده‌ای آن را در حوزه‌ی زندگی شخصی پذیرفته و دسته‌ای دیگر بررسی مسائل اجتماعی را نیز در گرو فقه دانسته‌اند. در این میان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دایره شمولیت علم فقه را وسیع و شامل تمام ابعاد و احوال زندگی انسان می‌داند:

انسان از قبل از ولادت تا بعد از ممات احوالی دارد، و این احوال شامل احوال فردی و زندگی شخصی اوست، و نیز شامل احوال اجتماعی و زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بقیه‌ی شوون اوست. تکلیف و سرنوشت همه‌ی اینها در فقه معلوم می‌شود (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

ایشان در جای دیگری درباره گستره فقه و آنچه که باید در جامعه اسلامی به آن عمل شود فرموده‌اند:

ما اگر بخواهیم آنچه را که باید عمل بشود، در یک جمله خلاصه کنیم، آن یک جمله عبارت از فقه اسلامی است. فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست؛ فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه‌ی جوانب زندگی انسان است؛ فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادياً (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

عمل به اسلام ضامن تداوم انقلاب و تعجیل در ظهور

پس از روشن شدن مراد از نظام انقلابی و رابطه آن با اسلام، با توجه به موضوع این پژوهش در بررسی رابطه نظام انقلابی و ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه، باید به این موضوع پرداخته شود که انقلابی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری اولاً در بقاء نظام اسلامی و ثانیاً در ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه خواهد داشت. بقاء این انقلاب تا زمان ظهور و رساندن حکومت به صاحب اصلی آن در گرو اسلامی بودن آن یا همان انقلابی بودن آن است، ممکن است گفته شود اسلامی بودن و انقلابی بودن نظام، چه تأثیری در بقاء حکومت اسلامی و یا تعجیل ظهور حضرت خواهد داشت لذا در سه محور به این مهم می‌پردازیم:

وعده‌های الهی تضمین بقاء انقلاب

اولین ثمره عمل به دستورات اسلام و انقلابی بودن نظام اسلامی، قرار گرفتن ذیل

سنت‌های الهی است که طبق این سنن، نصرت الهی و ثبات قدم عمل‌کنندگان به اسلام تضمین شده است، طبق آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خداوند را یاری کنید، خداوند شما را یاری می‌کند و ثبات قدم به شما می‌دهد. اگر مؤمنین به خدا را یاری کنند که به معنی عمل به دستورات اسلامی است، نصرت خداوند هم شامل حال مومنان می‌شود، این آیه شریفه همان طور که نظام فردی را در برمی‌گیرد، نظام اجتماعی را هم شامل می‌شود، طبیعتاً عمل به اسلام و اسلامی بودن نظام، طبق این سنت الهی سبب نصرت پروردگار می‌شود، از طرفی نصرت الهی می‌تواند موجب دوام، بهتر شدن عملکرد و رسیدن به هدف را در پی داشته باشد. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند:

وقتی که ما ایمان به خدا را در مسائل عینی، در مسئله مبارزه با استکبار مطرح می‌کنیم، معنای ویژه‌ای دارد. ایمان به خدا در این مقام به معنای ایمان به وعده‌های الهی است. خدای متعال در قرآن وعده‌هایی داده است که این وعده‌ها تخلف‌ناپذیر است. وعده داده است «إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ وعده داده است که «وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ»؛ وعده داده است که «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ وعده داده است که «وَأَمَّا مَا يَنفَعُ النَّاسَ فَيَمُكِّنْهُ فِي الْأَرْضِ»؛ اگر خدا را نصرت کنید خدا به شما ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد؛ آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کف‌های روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است و حق یعنی حقیقت اسلام، عبارت است از آنچه خواهد ماند؛ اینها وعده‌های الهی است؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»؛ خدا وعده‌های خودش را تخلف نخواهد کرد. ایمان به اله، ایمان به رب که شهید مطهری از قول امام نقل می‌کند، معنایش این است؛ یعنی به وعده‌های الهی ایمان دارد، اعتقاد دارد؛ این کجا، و این که کسی وارد یک راهی بشود، بگوید برویم ببینیم حالا چه می‌شود کجا؟ اعتماد به وعده الهی است که گام مستحکم امام را در این راه به حرکت در می‌آورد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم بیست و پنجمین بزرگداشت امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۴۰۲/۳/۱۴).

آیه شریفه دیگر که عمل به اسلام را موجب در امان ماندن از آسیب و شرور دشمنان می‌داند آیه شریفه «إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً» (آل عمران: ۱۲۰) است، طبق این آیه شریفه در صورت داشتن صبر و تقوایی که جمعی باشد، کید و حيله دشمنان نمی‌تواند آسیبی به جامعه اسلامی و حکومتی که به اسلام عمل می‌کند بزند، مقام معظم رهبری در این زمینه فرموده‌اند:

در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران بعد از آن که احساسات دشمن را در مقابل ما و نسبت به ما افشا می‌کند و می‌گوید: «إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا»، بعد می‌گوید: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»؛ قرآن راه مقابله‌ی با دشمن را به ما نشان می‌دهد: «صبر» و «تقوا». حالاً من در مورد تقوا عرض می‌کنم که منظور از آن در یک چنین مواردی چیست. بنابراین ما هم یقین داریم به این که وعده‌ی قرآن، وعده‌ی صادقی است؛ یعنی اندک تردیدی و شکی در این وجود ندارد. «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»؛ یعنی کید آنها هیچ تأثیری در شما نخواهد گذاشت و شما را عقب نخواهد راند؛ این وعده‌ی الهی است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مسئولین نظام: ۱۴۰۱/۱/۲۳).

عقلانی بودن بقاء نظام اسلامی تا ظهور در صورت عمل به اسلام

غیر از آنچه که در مورد وعده‌های الهی گفته شد که نصرت مضاعفی را خداوند وعده داده بود، با توجه به این که انقلابی و اسلامی بودن نظام در این است که نظام اسلامی رویه‌ها و اهداف خاصی را در شئون مختلف اجتماعی تحقق ببخشد، از نظر عقلی نیز می‌توان گفت در صورت عمل به این آموزه‌ها نظام اسلامی بقاء خواهد داشت، چرا که اگر کشوری از نظر نظامی قوی بوده، مردم آن رفاه خوبی داشته باشند، روابط حسنه‌ای با دوستان داشته باشد و برای دشمنان خود برنامه داشته باشد و مردم آن آماده فداکاری برای اهداف بلند خود باشند طبیعتاً می‌تواند هر سختی را پشت سر گذاشته و با هر دشمنی روبرو شود. ممکن است گفته شود بقاء نظام اسلامی به این است که به دستورات اسلام عمل شود ولی اینها ربطی به ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد، لذا در ادامه به ارتباط این دو می‌پردازیم.

اثر عملکرد صحیح مسلمین در تعجیل ظهور

از مباحث مهمی که در مقوله ظهور مطرح است و چه بسا مورد شبهات گروه‌هایی قرار گرفته است، مقوله اختیاری و غیراختیاری بودن زمان ظهور است که از آن به حصولی یا تحصیلی بودن زمان ظهور هم تعبیر می‌شود.

اگر ظهور امری غیر اختیاری باشد به این معنی است که زمان مشخصی دارد و افعال انسان‌ها هیچ نقشی در این امر ندارد به خلاف این که ظهور را امری اختیاری یا تحصیلی بدانیم که در این صورت سوال بعدی این است که چه عوامل و اسبابی موجب تقدیم و تأخیر در ظهور خواهد شد.

آنچه که از روایات اهل بیت علیهم السلام و نظریات متفکرین شیعه به دست می‌آید نظریه دوم یعنی تحصیلی بودن زمان ظهور است، نظریه تحصیلی بودن ظهور یا به این معناست که اعمال

شیعیان تنها نقش را دارد یا این که عمل و اختیار شیعیان در یک دلی و زمینه سازی برای ظهور، از عوامل ظهور حضرت محسوب می شود، ما در این پژوهش اصراری نداریم که تنها نقش موثر برای اعمال و زمینه سازی شیعیان است، بلکه می گوییم طبق آنچه که از معارف دینی به دست می آید اعمال و رفتار مسلمانان و به خصوص شیعیان، در تحقق ظهور نقش مهمی دارد. طبق روایتی که در کتاب احتجاج ذکر شده است حضرت فرموده اند:

اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را بر اطاعتش توفیق عنایت فرماید - در وفای به عهدی که بر عهده آنان است، یکدل می شدند، میمنت ملاقات با ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب شان می گشت؛ دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما... (آیتی، ۱۳۹۰: ۱۹).

در روایت دیگری از پیامبر مکرم اسلام ﷺ یکی از کارهای گروهی از مسلمانان را زمینه سازی برای ظهور می داند، و روشن است که زمینه سازی مسلمانان به معنی نقش داشتن رفتار و عملکرد آن ها در تحقق ظهور است:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده اند: گروهی از مشرق زمین خروج می کنند، پس زمینه ها را برای مهدی فراهم می سازند، یعنی زمینه های حکومتش را (همان).

شیخ مفید از بزرگ ترین دانشمندان شیعه اعتقاد دارد که رفتار مردم در ظهور تأثیرگذار است. این مضمون از کلمات ایشان به راحتی قابل برداشت است، محض نمونه ایشان در ضمن پاسخ به این پرسش که علت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه چیست و اگر صعوبت زمان عامل غیبت بود، این علت در زمان سایر امامان نیز وجود داشت در حالی که آنان غایب نشدند، چنین می نویسد:

با توجه به این که امام زمان عجل الله تعالی فرجه همان شخصی است که از آغاز آفرینش و در طول زمان ها دربارهی جهاد با دشمنان خدا و نیز برداشتن تقیه از دوستانش و الزام آنها به جهاد در زمان ظهورش سخن گفته شده است، مشخص شده که او همان مهدی است که خداوند حق را به وسیله ی او آشکار می سازد و گمراهی را نابود می کند. به وضوح معلوم است که او با شمشیر قیام نخواهد کرد، مگر این که انصار و یارانش گرد هم آیند. با این حال، انصار او از زمان وجودش تا به امروز، به صورت متحد و آماده به یاری او نبوده اند و در سرتاسر جهان، کسی برای جهاد آمادگی نداشته است. هرچند افرادی بودند که برای نقل آثار، حفظ احکام و دعا به درگاه خداوند برای فراهم کردن شرایط این امر صلاحیت داشتند، بنابراین بر امام زمان واجب شد که به تقیه روی آورد و رعایت تقیه بر او لازم گردید، همان طور که بر پدران بزرگوارش واجب بود. زیرا اگر او بدون یاور ظاهر شود، خود را به خطر افکنده است و اگر خود را به دشمنان نشان

دهد، آنها از تلاش برای آسیب رساندن به او و نابود کردن شیعیانش و حلال کردن خون‌شان دریغ نمی‌کنند. از این رو، با توجه به اثبات عصمت او، بر او لازم است که مخفی بماند تا زمانی که اطمینان حاصل کند یاران و انصارش آماده و گرد هم آمده‌اند و مصلحت عمومی در ظهور او با شمشیر است و بداند که می‌تواند حدود الهی را برقرار کند و احکام را به اجرا درآورد (همان).

شیخ طوسی نیز اعتقاد دارند هم‌چنان که غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له برآمده از سوء رفتار مردم است، ظهور آن حضرت نیز از تغییر مثبت در رفتار مردم ناشی می‌شود. وی پس از تقریر قاعده لطف و اثبات ضرورت وجود امام معصوم و ضمیمه کردن این مقدمه که هم‌اکنون امام معصوم ظاهری وجود ندارد، اثبات می‌کند که پس آن امام معصومی که قاعده لطف ضرورتش را اثبات می‌کرد، باید غایب باشد. وی در ادامه به اشکالاتی که به این استدلال گرفته شده پاسخ می‌دهد و در ضمن پاسخ به یکی از آن اشکالات، چنین می‌نویسد:

بسط ید امام گرچه برای مکلف حاصل نشده است، این از رفتار خود او نشئت می‌گیرد و اگر مکلف از امام تمکین می‌کرد، امام آشکار می‌شد و بسط ید پیدا می‌کرد و لطفش حاصل می‌شد؛ در نتیجه تکلیف مکلف قبیح نبود؛ زیرا حجت علیه اوست و نه به نفع او (همان).

امام خمینی رحمته الله علیه نیز قدرت پیدا کردن و زمینه‌سازی را از مقدمات ظهور حضرت می‌دانند: انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور (ان شاء الله) تهیه بشود (همان).

با پذیرش تحصیلی بودن ظهور و قبول نقش مسلمانان در تمهید ظهور می‌توان گفت هر چه به اسلام ناب که مغز انقلاب است نزدیک‌تر شویم می‌توان آن را قدمی در تقدیم زمان ظهور دانست، لذا نظام انقلابی که در کلمات رهبر حکیم انقلاب به آن اشاره شده است نه تنها ضامن بقاء نظام اسلامی است بلکه ضامن تقدیم زمان ظهور و رساندن نظام اسلامی به دست حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز هست.

نتیجه‌گیری

با روشن شدن مراد از نظام انقلابی یا همان نظامی که اهداف، مبانی و ساختار انقلابی داشته باشد و دائماً در حال حرکت به سوی اهداف عالی اسلامی خود باشد می‌توان گفت پیاده شدن نظریه نظام انقلابی در نظام جمهوری اسلامی ایران از جهات مختلفی موجب زمینه‌سازی و تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد شد، اولاً طبق وعده‌های الهی،

هر حرکتی که در راستای نصرت الهی باشد موجب حفظ انقلاب خواهد شد، ثانیاً از نگاه عقلانی عمل به نظریه نظام انقلابی موجب تقویت بنیان‌های کشور اسلامی خواهد شد و ثالثاً با توجه به این‌که افعال و اعتقادات جامعه مسلمین در ظهور اثرگذار است، چنین عملکرد صحیحی در کشور اسلامی موجب زمینه‌سازی و تعجیل در ظهور خواهد شد.

منابع

قرآن کریم

- آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۰)، «زمینه‌سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۱۹.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲)، حدیث ولایت، قم: انتشارات انقلاب اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، سایت معظم له.
- روریش، ویلفرد (۱۳۸۵)، سیاست به مثابه عالم، ترجمه: ملک یحییی صلاحی، تهران: سمت.
- طبرسی، احمدبن علی (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج، نجف: دارالنعمان للطباعة والنشر.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- قزوینی (ابن ماجه)، محمدبن یزید (۱۳۶۸)، سنن ابن ماجه، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- کارلوت، پیتر (۱۳۸۳)، انقلاب و ضد انقلاب، ترجمه: حمید قانع، تهران: بی‌نا.
- کوهن، آوین استانفورد (۱۳۶۹)، تئوری‌های انقلاب، ترجمه: علیرضا طیب (با مقدمه حسین بشیریه)، تهران: قومس.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، تهاجم فرهنگی، تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۴ق)، الاختصاص، بیروت: دارالمفید للطباعة والنشر والتوزیع.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۱)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
- هنتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع در حال تحول، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علم.